

درباره انتصابات

■ با مسوولیت سر دبیر

یکی از مشکلات تاریخی و اساسی فرهنگی ایرانیان فقدان گفت و گوست. فقدان گفت و گو شاید تا چند دهه پیش عوارضی چنین آشکار برای جامعه ایرانی نداشت اما با گسترش ارتباطات و با توسعه فرایند اطلاع رسانی باید به عنصر گفتگو توجه بیشتری کرد. فقدان گفت و گو البته امری سیاسی نیست و مساله ای است فرهنگی که ریشه در نوع نگرش طولانی ملت ایرانیان به زندگی داشته و دارد. ترویج روحیه گوشه گیری، صوفی گری، در کنار محوری بودن نقش دولت در توسعه را می توان نشانه هایی از این روحیه دانست اما هر چه که در فرهنگ ما ایرانیان فرو رفتن در خود و سکوت ترویج شده است امروزه ضرورت گفت و گوهایی نقای و خردمندانه ضرورت پیدا کرده است. این روزها اختلاطات سیاسی درباره انتصابات و برخی رفتارهای سیاسی در گلستان در حال گسترش است، کسانی که در انتخابات فعال بوده اند و خود را پاسخگو به افکار عمومی می دانند و احتمالاً در انتخابات آتی ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی باید در مسیر جمهوریت تلاش کنند نقدهایی جلی به انتصابات برخی فرمانداری ها و مدیریت های گلستان دارند و آنها را مخالف برنامه ها و دیدگاههای دولت می دانند که باید با رفع سوء تفاهم ها سرمایه اجتماعی دولت را حفظ کرد. بدیهی است مدیریت چنین اتفاقاتی فقط با اراده شخص اول اجرایی استان میسر است، تعیین و تبیین راهبردهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در گفت و گوهایی شفاف و رودر می تواند بسیاری از ابهام ها و اشکالات را برطرف نماید. ارتباط رودر می با یکدیگر مقدمه گفت و گوهایی نقادانه و اصلاح امور است و این در حالی است که متأسفانه تا به اکنون مجمعی جامع از ریش سفیدان و بزرگان که به گونه ای نهاده و با دخالت حداقلی دولت بتوانند دامنه گفت و گو را عمق بخشند، سامان پیدا نکرده است در حالی که وجود چنین مجمعی یک ضرورت آشکار برای خروج از بحرانهای احتمالی سیاسی، اجتماعی و امنیتی است. به گونه ای خلاصه باید گفت بنیادی ترین راه برون رفت ما از مشکلات اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی و امنیتی انتخاب روش اقناعی و رواداری است و جز با ترویج فرهنگ گفت و گو و با احترام متقابل و ارتباط نقادانه شهروندان با یکدیگر و پاسخگویی مسوولان به نهادهای ملنی و نخبگان میسر نخواهد شد.

درخشش نگین اقتصادی:
فرصت طلایی اینچپه برون برای گلستان



۲

برداشت ۵۲ هزار تن کلزا
در گلستان



۲

خطر آتش سوزی مزارع در کمین فصل
برداشت



۳

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ یکشنبه ۱۱ خرداد ماه ۱۴۰۴/سال بیست و ششم/شماره ۲۹۸۴/صفحه ۸/ ۲۵۰۰ تومان



چرا به زندگی دیگران
سرک می کشیم؟

« ۸ »



دفاع مقدس برای ما مسوولیت
گذاشته است

« ۷ »



تناقض های فستیوال کن

«سینما»

« ۴ - ۵ »

نگاهی تحلیلی به رشد اقتصادی ۵ دهه اخیر

اگر جنگ و تحریم نبود



علیرغم میانگین رشد اقتصادی حدود ۳.۵ درصد کشور طی سالهای ۶۰ لغایت ۸۵ ولی کاهش شدید حجم تولید ناخالص داخلی کشور فقط در چهار سال انقلاب و دو سال اول جنگ باعث شد عملاً کشور در ۳۵ سال از نظر حجم تولید ناخالص داخلی درجا زده باشد. با ادامه رشد اقتصادی علیرغم رشد نسبتاً پایین کشور با وجود وفور درآمدهای نفتی در دولت احمدی نژاد حجم تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۸۹ به رقم ۸۴۴۶ همت رسید و متأسفانه با زورگویی های دشمن و بی تدبیری های دولت مستقر از سال ۸۹ تا سال ۹۲ کشور گرفتار تحریم های آمریکا و تحریمهای سازمان ملل گردید و متأسفانه همان کاغذ پاره های مصوب سازمان ملل که با سکوت چین و روسیه باعث تصویب قطعنامه های تحریمی گردید باعث شد حجم تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۹۲ با کاهش ۱۱.۵ درصد در طی سه سال تحریم سالهای آخر دولت دهم بطور میانگین سالانه ۳.۷ درصد کاهش یابد و تولید ناخالص داخلی کشور از ۸۴۴۶ همت به قیمت ثابت به ۷۴۷۳ همت رسید...

ادامه در صفحه ۲

کمترین میزان تولید ناخالص داخلی کشور در بعد از انقلاب بوده است و باعث شد انقلاب و جنگ در عرض ۴ سال از حجم تولید ناخالص داخلی کشور ۵۸ درصد بکاهند و عملاً در این چهار سال میانگین سالانه ۱۲.۲ درصد کشور رشد منفی داشته باشد، پس از سال ۶۰ و با تثبیت کشور در جنگ و بهتر شدن توان دفاعی و اولین پیروزی های جنگ اندک اندک رشد اقتصادی کشور آغاز گردید و حجم تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت ثابت در سال ۶۸ یعنی در سال پایان جنگ به ۴۱۴۱ همت رسید که اگر چه نسبت به سال ۶۰ افزایش

حسینقلی قوانلو- بدون شک یکی از مهمترین عوامل رکود و عقب گرد اقتصاد در همه کشورهای جهان جنگ و تحریم های بین المللی می باشد و فرقی ندارد این کشور آلمان با توان بالای اقتصادی باشد یا ایران در حال توسعه قبل از انقلاب لذا در این مطلب اثرات انقلاب و جنگ و تحریم را در تولید ناخالص داخلی کشورمان مد نظر قرار دادیم تا انشاء الله دولتمردان ما با در نظر گرفتن این اعداد و ارقام که برگرفته از آمار رسمی مرکز آمار ایران میباشد تصمیم مقتضی را در جلوگیری از درگیر شدن در جنگی خانمانسوز دیگر و ادامه تحریمها بگیرند. با شروع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶ تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت های ثابت سال ۱۴۰۰ حدود ۷۱۵۹ همت (هزار میلیارد تومان) بوده است که در سال ۵۶ و با پیروزی انقلاب و اسقرار دولت انقلاب با کاهش ۳۸ درصدی به ۴۴۳۴ همت رسید و این به معنای کاهش سالانه ۱۷.۵ درصد از حجم تولید ناخالص داخلی کشور در دوسال اول انقلاب بود و از سال ۵۸ و با شروع جنگ تحمیلی ناخواسته تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت ثابت به ۲۹۶۶ همت رسید که

ادامه تیر اول

با استقرار دولت تدبیر و امید و با حمایت مردمی از مذاکره و تصویب برجام و برداشته شدن برخی از تحریمها اثر منفی تحریم های سالهای ۸۹ لغایت ۹۲ با رشد اقتصادی کل ۱۸.۷ درصد سه سال اول دولت اول روحانی و رسیدن حجم تولید ناخالص داخلی کشور به ۸۸۷۴ همت در سال ۹۵ جبران شد و حجم تولید ناخالص داخلی کشور با ادامه رشد اقتصادی

در سال ۹۶ به عدد ۹۵۰۰ همت رسید که دوباره به قدرت رسیدن ترامپ و خروج آمریکا از برجام و فشار تحریمهای یک جانبه آمریکا که با برخی بی تدبیری های داخلی برخی که در آرزوی به قدرت رسیدن بعد از دولت روحانی جلوی به نتیجه رسیدن مذاکرات و توافق با آمریکا و اروپا را گرفتند باعث شد، کشور در سالهای ۹۶ تا ۹۹ در طی سه سال فوق با میانگین رشد منفی ۴ درصدی در کل سه سال حجم تولید ناخالص داخلی کشور با کاهش ۱۲.۷ درصدی از ۹۵۰۰ همت به ۸۲۸۸ همت برسد اگرچه بخشی از این کاهش تولید ناخالص داخلی کشور مربوط به اپیدمی کرونا در کشور و جهان بوده است. از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ با رفتن ترامپ و به روی کار آمدن بایدن و کاهش فشارهای تحریمی بخاطر نیاز به صادرات نفت ایران ناشی از جنگ اوکراین

و نیز از بین رفتن اپیدمی کرونا رشد اقتصاد کشور به میانگین سالیانه حدود ۴ درصد رسد و در پایان سال ۱۴۰۲ به قیمت ثابت به عدد ۹۴۳۳ همت رسید. با توجه به اعداد بالا در ۴۶ سال بعد از انقلاب میانگین رشد تولید ناخالص داخلی کشور حدود میانگین سالیانه ۱.۳ درصد شده که با فراز و نشیب های انقلاب و جنگ و تحریم همراه بوده برای درک اثر واقعی جنگ و تحریم بر تولید ناخالص داخلی کشور فقط کافیست که رشد اقتصادی کشور را در طی ۴۶ سال بعد از انقلاب با میانگین رشد ۳.۵ درصد میانگین رشد سالهای ۶۰ تا ۸۵ کشور محاسبه کنیم. اگر فرض می کردیم که کشور گرفتار جنگ و تحریم نمی شد و در ۴۶ سال میانگین رشد اقتصادی ۳.۵ درصد می داشت (نه رشد شعار گونه ۸ درصد سند چشم

درخشش نگین اقتصادی؛

فرصت طلایی اینچه برون برای گلستان



تحقق پتانسیل های اینچه برون و غلبه بر چالش های موجود مانند کمبود زیرساخت های انرژی گرفته تا فشارهای اقلیمی مانند گرمای تابستان های گلستان، راهبردی پیوسته و منسجم طراحی شده است. تامین فوری برق از طریق ارتقای شبکه موجود و تخصیص ظرفیت های موقت، به منظور راه اندازی سریع فعالیت های اقتصادی و جذب سرمایه گذاران اولیه، سرمایه گذاری در انرژی های تجدیدپذیر با احداث نیروگاه های خورشیدی از جمله این راهکارهای است که اینچه برون را به سوی آینده ای شکوفا هدایت خواهد کرد. منطقه آزاد اینچه برون، فراتر از یک پروژه اقتصادی، فرصتی برای بازآفرینی هویت گلستان است. این منطقه، با ایجاد اشتغال، تقویت تجارت و توسعه زیرساخت ها، می تواند زندگی ساکنان این دیار را دگرگون سازد. از جوانان جویای کار گرفته تا صنایع کوچک و بزرگ، اینچه برون پتانسیل آن را دارد که به موتور محرکه اقتصاد گلستان تبدیل شود.

اهمیت رشد کمی در مرحله کنونی، خواستار تسریع در تامین زیرساخت ها شد تا زمینه برای فعالیت های اقتصادی و صنعتی فراهم آید. فرماندار گنبدکاووس همکاری میان نهادهای محلی و استانی را کلید طلایی موفقیت خواند و از همه دستگاه ها خواست تا برنامه های خود را با این چشم انداز هماهنگ سازند. منطقه آزاد اینچه برون، با گستره ای حدود ۱۲ هزار هکتار، از مرز ترکمنستان تا منطقه صنعتی ترک امتداد یافته و تنها پایانه مرزی زمینی و ریلی گلستان به شمار می رود. این موقعیت استراتژیک، دسترسی بی نظیری به بازارهای آسیای میانه فراهم می آورد و اینچه برون را به کانونی برای تجارت و صنعت تبدیل می کند. تصویب طرح جامع منطقه در شورای عالی مناطق آزاد و انتصاب مدیر اجرایی در سال ۱۴۰۰، نقطه عطفی در مسیر توسعه بود. اینچه برون، با زیرساخت های در حال شکل گیری و موقعیت جغرافیایی ممتاز، آماده است تا به قطب منطقه ای برای تجارت بین المللی بدل شود. برای

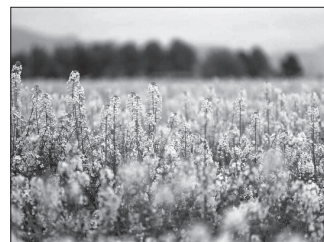
دستگاه آمبولانس به محل اعزام شد. معاون امداد و نجات هلال احمر گلستان با اشاره به اینکه در این تصادف ۶ نفر دچار حادثه شدند، افزود: پنج نفر از این افراد مصدوم شدند که پس از اقدامات اولیه امدادی، توسط تیم های اورژانس و هلال احمر به مرکز درمانی منتقل شدند. حاجیلری ضمن تأکید بر رعایت اصول ایمنی، خاطرنشان کرد: استفاده از کلاه ایمنی استاندارد در هنگام رانندگی با موتورسیکلت نقش مهمی در کاهش آسیب های ناشی از حوادث رانندگی دارد.

معاون امداد و نجات جمعیت هلال احمر گلستان از وقوع سانحه رانندگی در یکی از مناطق روستایی شهرستان کاله خبر داد و گفت: در این حادثه پنج نفر مصدوم شدند. به گزارش روابط عمومی، رضا حاجیلری اظهار کرد: طی تماس اورژانس با جمعیت هلال احمر، گزارشی از تصادف دو دستگاه موتورسیکلت در روستای سوار وسط از توابع شهرستان کاله دریافت شد. وی ادامه داد: پس از دریافت گزارش، یک تیم عملیاتی از پایگاه امداد و نجات چاتال همراه با یک

منطقه آزاد اینچه برون گلستان چون گوهری تابناک، آماده است تا آینده ای درخشان برای این دیار کهن رقم زند. این منطقه، که در کرانه های مرزی ایران و ترکمنستان آرمیده، دروازه ای به سوی بازارهای وسیع آسیای میانه فراهم آورده است. به گزارش ایرنا، اینچه برون با گستره ای حدود ۱۲ هزار هکتار، از مرز ترکمنستان تا منطقه صنعتی ترک، نه تنها بستری برای تبادلات تجاری، بلکه کانونی برای نوآوری و توسعه پایدار است. این منطقه، با دسترسی بی نظیر به شبکه های حمل و نقل ریلی و جاده ای، پتانسیل تبدیل شدن به هابی منطقه ای برای تجارت بین المللی را داراست. از ظرفیت های سرشار انرژی خورشیدی گلستان، که می تواند زیرساخت های سبز را تقویت کند، تا موقعیت جغرافیایی ممتاز آن که پیوند ایران با همسایگان شمالی را تسهیل می کند، اینچه برون آماده است تا به موتور محرکه اقتصاد منطقه بدل شود. این نگین درخشان، با قابلیت جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی، ایجاد فرصت های شغلی و تقویت صنایع کوچک و بزرگ، نویدبخش آینده ای است که گلستان را در سپهر اقتصادی ایران و جهان به جایگاهی شایسته برساند. مدیرعامل منطقه آزاد اینچه برون گفت: شتاب در عملیاتی شدن اینچه برون، نه تنها فرصتی طلایی برای گلستان، بلکه ضرورتی برای رونق اقتصاد ملی است. حسن ملک حسینی در جلسه بررسی مشکلات زیرساختی این منطقه با حضور فرماندار گنبدکاووس اظهار کرد: این مهم، جز با همدلی و هماهنگی میان نهادهای استانی و محلی میسر نخواهد شد. در میان زیرساخت های مورد نیاز برای شکوفایی اینچه برون، تامین برق پایدار و کافی جایگاهی بی بدیل دارد. ملک حسینی اظهار کرد: بدون این شریان حیاتی، رویای جذب سرمایه گذار و چرخش چرخ های اقتصادی رنگ واقعیت به خود نخواهد گرفت. فرماندار گنبدکاووس هم بر ضرورت همسویی همه دستگاه های اجرایی با روند توسعه اینچه برون تأکید کرد. سلیمان هاشمی این منطقه را نگینی دانست که در آینده ای نه چندان دور، بر بام ایران خواهد درخشید. وی با اشاره به

تصادف در جاده روستایی کاله
۵ مصدوم بر جا گذاشت

خبر

برداشت ۵۲ هزار تُن کلزا
در گلستان

مدیر تعاون روستایی گلستان از خرید بیش از ۵۲ هزار تُن کلزا در استان خبر داد و گفت: روند خرید رو به پایان بوده و پرداخت ۲۵ درصد مطالبات کشاورزان آغاز شده است. به گزارش روابط عمومی، محمدرضا جامی با اشاره به نزدیک شدن به پایان فصل خرید کلزا در استان اظهار کرد: از ابتدای خرید تاکنون بیش از ۵۲ هزار تن کلزا از کشاورزان استان خریداری شده و به مراحل پایانی خرید نزدیک شده ایم. وی درباره روند پرداخت مطالبات کشاورزان گفت: پرداخت ۲۵ درصد مطالبات آغاز شده و تلاش داریم تا بخش عمده ای از مطالبات در کمتر از ۴۵ روز پرداخت شود. البته ممکن است برخی کشاورزان به دلیل مشکلات شماره حساب هنوز وجه خود را دریافت نکرده باشند که با مراجعه و اصلاح اطلاعات، مبلغ مورد نظر به حسابشان واریز خواهد شد. جامی ادامه داد: طبق برنامه، از بیستم خرداد باید پرداخت ها آغاز می شد، اما ما ۱۰ روز زودتر این فرآیند را شروع کردیم تا کشاورزان زودتر به بخشی از مطالبات خود دست پیدا کنند. کسانی که محصول خود را ۲۰ اردیبهشت تحویل داده اند، طبق روال باید تا ۲۰ خرداد وجه خود را دریافت کنند، ولی اکنون زودتر از موعد در حال پرداخت هستیم. وی تأکید کرد: با تلاشی که در سطح استان صورت گرفته، امیدواریم کل مطالبات طی حداکثر ۴۵ روز از زمان تحویل محصول تسویه شود تا کشاورزان با دغدغه کمتر فصل زراعی آینده را آغاز کنند.



محیط بانان تاوان می دهند



محیط بانان تاوان می دهند. این تیتر در یکی از صفحات روزنامه گلشمن به چشم می خورد. تیتر دیگری در صفحه مجاور آن می خوانیم: «تبع اقتصادی کبکدوستان پایدار گلستان».

خصوصی انجام بدهم . آنوقت احتمال اینکه نتیجه ای حاصل شود بیشتر است. در این مسیر فقط از مدیران دولتی می خواهم که چوب لای چرخ ما نکنند و اگر می توانند فرآیند کار را تسهیل کنند که وقت ما در هزار توی فرآیندهای اداری بی معنی هدر نرود .

عذر تقصیر دارم که قلم بنده، شیوایی قلم حضرت تعالی را ندارد.

مخاطب گلشن مهر

ها عوض می شوند، اما مشکلات و موضوعات آنها نه تنها عوض نمی شوند که حد تر هم می شوند ؟ به نظر بنده در کنار بحث بودجه که بحث مهمی هم هست مباحثی مثل عدم تخصص مدیران، بوروکراسی اداری بی دلیل که حتی خود مدیران هم نمی دانند که چرا باید فلان کار را انجام بدهند و یا ندهند، عدم پاسخگویی مدیران در مقابل عملکرد، عدم وجود یک سیستم نظارتی قدرتمند برای ارزیابی عملکرد مدیران به صورت سه ماهه، عدم وجود یک برنامه اجرایی مشخص برای هر اداره کل که به تایید استانداری رسیده باشد و پیگیری روند اجرای کار توسط استانداری، عدم وجود نرم افزارهای کنترل عملکرد لحظه ای برای نظارت بر اجرای پروژه ها و ... و از همه مهمتر عدم وجود انگیزه لازم در مسئولین و کارکنان سازمان های دولتی باعث وجود چنین وضعی در استان گلستان و کشور است .

عرض می کنم که هیچ تغییر قابل توجهی در وضعیت اقتصادی استان پیش نخواهد آمد اگر تغییرات بنیادی در سیستم برنامه ریزی، عملکرد و نظارت بر عملکرد و پاسخگو کردن مدیران اجرایی ایجاد نشود. گواهی عرایض بنده هم وضعیت اقتصادی و ... استان گلستان ظرف ۲۰ سال گذشته است که به جای پیشرفت پسرقت هم داشته است . بنده به این نتیجه رسیده ام که هر کاری را بدون تکیه بر دولت و فقط با تکیه بر توانمندی خودم و بخش

بسیار خوب ! پس چرا کاری انجام نمی شود ؟ مثلاً ایجاد تنوع در فعالیت های اقتصادی استان گلستان که می شود در چندین بخش آن را فعال نمود و سببی از فعالیت های اقتصادی ایجاد کرد تا اقتصاد استان به طور صرف وابسته به یک صنعت خاص نباشد. زیر ساخت های این بحث هم به طور نسبی ایجاد شده. مثلاً بیش از ۱۰۰۰ کارخانه در استان ایجاد شده که بخش اعظمی از آن یا زیر ظرفیت کار می کند یا تعطیل است. یعنی سرمایه گذاری انجام شده، ولی سرمایه بلااستفاده است ! خوب! چرا اداره کل صمت برای فعال سازی این کارخانه ها که در صورت فعالیت درست می توانند کفه ترازو را به سمت صنعت سنگین کنند و صنایع جدیدی را هم متولد سازند کاری انجام نمی دهد. در حالی که فعال سازی بخشی از این صنایع با بودجه های اندک قابل اجراست و با فعال سازی چند مجموعه می شود چند کارخانه دیگر را هم در کنار آنها و بدون تخصیص بودجه فعال کرد.

خوب چرا کاری انجام نمی شود ؟

مطالبی که حضرتعالی و همکاران محترمان به درستی و با شیوایی تمام قلم می زنید به راحتی و با شروع کار از یک گوشه و به آرامی قابل اجراست که در طول زمان سرعت لازم را به دست می آورد . کجای کار معیوب است که هر ۴ سال مسئولان عوض می شوند، دولت ها عوض می شوند، جناح



نگاهی به یادداشت نخست روزنامه گلشن مهر شنبه با عنوان تنوع اقتصادی کلید توسعه پایدار گلستان

چرا مشکلات حل نمی شود ؟

فرشاد مهرانی

درد. مطالب بسیار عالیست و مشخصاً به مشکلات حاد استان اشاره شده است. نکته قابل توجه در این مطالب وزین اینست که همه مسئولین و صاحب نظران با این مشکلات کم و بیش آشنا هستند و حتی راه حل ها را هم به طور نسبی می دانند. خیلی از این راه حل ها می تواند با کمی درایت و هوش اقتصادی با بودجه ای اندک و یا بدون بودجه دولتی و تامین هزینه ها از بخش های دیگر اجرا شود.

خطر آتش سوزی مزارع در کمین فصل برداشت



رئیس اداره فناوری های مکانیزه جهاد کشاورزی گلستان در پی آتش سوزی یک دستگاه کمباین در استان نسبت به افزایش احتمال حریق در مزارع هشدار داد و خواستار رعایت فوری تدابیر ایمنی توسط کشاورزان شد. به گزارش روابط عمومی، مریم برزنونی اظهار کرد: با آغاز فصل برداشت محصولات پاییزه و افزایش دمای هوا در گلستان، خطر آتش سوزی در مزارع این استان بیش از گذشته احساس می شود. وی نسبت به وقوع حریق در مزارع هشدار داد و رعایت نکات ایمنی را امری حیاتی دانست. رئیس اداره فناوری های مکانیزه جهاد کشاورزی گلستان با اشاره به خشکی بالای مزارع گندم، جو، کلزا و سایر محصولات در این مقطع زمانی، از کشاورزان، رانندگان کمباین و شهروندان خواست در تمام مراحل برداشت، حداکثر احتیاط را رعایت کنند. وی ادامه داد: در این شرایط، حتی یک جرقه کوچک می تواند باعث آتش سوزی گسترده و از بین رفتن زحمات چندماهه کشاورزان شود. وی یکی از اقدامات کلیدی برای پیشگیری از گسترش آتش در مزارع را ایجاد «آتش پر» با استفاده از تراکتور مجهز به دیسک عنوان کرد و از کشاورزان خواست این اقدام را پیش از آغاز برداشت در اولویت کاری خود قرار دهند. این هشدار پس از آن صادر شد که اخیراً یک دستگاه

کمباین در یکی از مزارع استان هنگام برداشت دچار حریق شد؛ حادثه ای که علی رغم آموزش های پیش از برداشت و تذکرات مکرر کارشناسان، رخ داد و خساراتی به بار آورد. سازمان جهاد کشاورزی گلستان ضمن تأکید

مجدد بر رعایت نکات ایمنی، از کشاورزان خواسته است در صورت مشاهده هرگونه آتش سوزی، بلافاصله با آتش نشانی و مراکز امدادی تماس بگیرند تا از گسترش حریق و بروز خسارات بیشتر جلوگیری شود.

هرگونه بیماری دام است. وی با اشاره به تعیین مکان های مشخص برای عرضه و ذبح دام توسط شهرداری ها، از شهروندان خواست تا دام خود را فقط از میادین مورد تأیید اداره دامپزشکی تهیه و در محل های تعیین شده کشتار کنند. وی از جمله مکان های ذبح در گرگان را جرجان ۱۵، سرخط توشن، سرخط زنگیان و جاده آق قلا عنوان کرد و گفت: از خرید دام هایی با علائم بیماری مانند لاغری مفرط، زردی سفیدی چشم، زخم های بنی، لنگی یا ظاهر ژولیده خودداری شود. همچنین افراد ذابح باید از لباس محافظ، دستکش، چکمه استفاده کرده و وسایل خود را ضدعفونی کنند. وی افزود: گوشت دام قربانی باید حداقل ۲۴ ساعت و آلایش خوراکی مانند جگر ۴۸ ساعت در دمای ۴ درجه سانتی گراد در یخچال نگهداری و سپس مصرف شود.

دام و پیشگیری از بیماری های مشترک بین انسان و دام، همزمان با عید قربان، ۷۷ گروه دامپزشکی شامل ۱۶ تیم ثابت و ۶۱ تیم سیار در سراسر استان گلستان مستقر خواهند شد. این گروه ها متشکل از کارشناسان بهداشتی و ناظرین شرعی هستند که با حضور در محل های عرضه و ذبح دام، به ویژه در کشتارگاه های ثابت و سیار، سلامت دام های قربانی را از جنبه های بهداشتی و شرعی بررسی می کنند. وی تأکید کرد: نظارت دامپزشکی محدود به روز عید قربان نیست و در طول سال، بازرسی های منظم از مراکز عرضه فرآورده های خام دامی مانند قصابی ها، مرغ فروشی ها، جگرکی ها و رستوران ها انجام می شود. مدیرکل دامپزشکی گلستان در ادامه به اجرای منظم برنامه های واکسیناسیون دام های سبک و سنگین اشاره کرد و گفت: استان گلستان در حال حاضر عاری از

استقرار ۷۷ گروه دامپزشکی برای تأمین سلامت دام ها

مدیرکل دامپزشکی گلستان از فعالیت ۷۷ گروه دامپزشکی در روز عید قربان خبر داد و گفت: این گروه ها شامل تیم های ثابت و سیارند که وظیفه نظارت بر ذبح شرعی و بهداشتی دام ها را در استان برعهده دارند. به گزارش روابط عمومی، علی کاووسی اظهار کرد: به منظور تأمین سلامت



تناقض‌های فستیوال کن



علی درزی - دبیر صفحه

و برخلاف جشنواره‌هایی چون اسکار، بیشتر به ارزش‌های هنری فیلم‌ها توجه می‌کند تا جنبه‌های تجاری آن‌ها. اما رفته‌رفته خود جشنواره وارد جنبه‌های غیر هنری و تجاری و مارکتینگ شد. و از آن بدتر رفته رفته سیاستی که جشنواره برای متر و معیار فیلم‌هایش در پیش گرفت، خود واژه‌ی سیاست بوده. بر هر انسان درد کشیده‌ای واضح و مبهرن است که سیاست جزء لاینفک زندگی روزمره همگان است ولی، تا این حد که حمایت از فیلم‌های سیاسی رفته‌رفته کن را ملجا کارگردان‌های مورد قهر دولت‌ها ساخته، از صبر و تحمل مخاطب آگاه خارج است. اگر مخاطب آگاهی نباشیم و همیشه بخوایم متعصبانه و با نگاه رسانه‌ای دو قطبی به مقوله‌ی اثر هنری نگاه کنیم خیلی راحت بازی می‌خوریم. «اگر می‌خواهی سری توی سرها در بیاوری برو کن!» «چجوری برم کن؟»

«بهتره یک فیلمساز سیاسی مورد عتاب دولت بشی تا اونها تو رو با آغوش باز قبول کنن. و از اون مهمتر، باید به کشورت برگردی تا به این لوپ معیوب برای ساخت فیلم‌های بعدی‌ت خوراک بدی. اینجوری راه رو می‌تونی برای جوان‌ترها هم باز کنی! اصلا میتونی نماینده رسمی کن توی ایران باشی، اصلا میتونی واسط ایرانی‌های پولدار عاشق کن باشی، هر کی هم خواست به کن راه پیدا کنه، از فیلم کوتاه تا دو هفته کارگردان، باید زیر نظر تو به این مهم دست پیدا کنه، تو میشی سفیر آزادی کنی در کشورت، تو میشی صادر کننده روایت به کن!» اتفاقی که انگار، از جنبه‌های مختلفش در طول سالیان اخیر برای محمد رسول‌اف و جعفر پناهی رخ داده. ولی خود کن هم دیگر آن بانوی با اصالت و با صلابت گذشته نیست. فرش قرمزی که قدم‌گاه کاترین دنوو و مونیکا ویتی و الیزابت هویر بوده حالا شده جولان‌گاه دلقک دلقکان سیلیکونی! جشنواره‌ی کن را اگر یک زن فرض کنیم، دقیقاً مانند بلاگر ایرانی روی فرش قرمز شده، آنقدر ژل و بوتاکس تزریق کرده که دیگر پوست و گوشتش تحمل این حجم از نقاب صلح‌دوستی هنری را ندارد. کن از ریخت و قیافه‌اش افتاده. پیر نشده، دفرمه شده. از محتوایش هم همان قصه‌ی دفرمه‌هاست! برای پول حاضر است هر ننه قمری را وارد سیرکش کند، هر سیاستی را ترویج کند تا بتواند دوره‌های آموزشی و استعدادیابی‌های پرسودش، فتوکال‌هایش، تبلیغاتش را در جهان سوم ترویج بدهد. فرش قرمز هر فستیوال در واقع نماد هنری یا بهتر است بگوییم یک قرارداد خواهرخواندگی بین صنعت مد و فشن با هنر سینماست که به

همدیگر سود می‌رسانند. این قرار به یک رسم برای همه‌ی جشنواره‌های سینمایی تبدیل شده، حتی همین فجر و حافظ خوردمان (با اینکه واقفیم حجاب دغدغه‌ی اصلی اجتماع ماست) در فرش قرمزشان تناقضاتی می‌بینیم که در هالیوود هم نمی‌بینیم. (البته با کمی اغراق!) حالا همین کن سال گذشته محافظین جشنواره را جلوی بازیگران بدلباس قرار می‌داده و اجازه نمی‌داده عکس بگیرند. امسال هم برای مدعوتش قانون پوشش تعیین کرده است. این همان کنی است که گذار و ترفوف و دوستانش، آن را تعطیل کردند تا به اعتراضات کارگری در خیابان بپیوندند. این همان کن است، باورتان می‌شود؟ همان کنی که:

انقلاب ۱۶ مه ۱۹۶۸ و تأثیر آن بر جشنواره کن یکی از نقاط عطف تاریخ سینمای جهان است، به‌ویژه با نقش مهم فیلم‌سازان موج نو فرانسه مانند ژان-لوک گدار، فرانسوا تروفو، و کلود لولوش. در ماه مه ۱۹۶۸، فرانسه شاهد یک جنبش گسترده دانشجویی و کارگری بود که به اعتصاب‌ها و تظاهرات سراسری انجامید. این اعتراض‌ها که از دانشگاه‌ها آغاز شد، به سرعت گسترش یافت و جامعه‌ی فرانسه را به بحران سیاسی کشاند. در این فضا، بسیاری از هنرمندان و روشنفکران نیز با جنبش همدلی نشان دادند. جشنواره کن در آن زمان طبق برنامه آغاز شد، اما در میانه‌ی برگزاری آن، برخی از سینماگران برجسته فرانسه از جمله گدار، تروفو، ژاک پرن، و رومن پولانسکی، به نشانه‌ی همبستگی با دانشجویان و کارگران، خواستار توقف جشنواره شدند. آن‌ها معتقد بودند در شرایطی که جامعه در التهاب است و مردم در خیابان‌ها برای عدالت می‌جنگند، برگزاری جشنواره‌ی لوکس و رسمی کاری غیر اخلاقی است. در یکی از صحنه‌های مشهور این ماجرا، گدار و تروفو به همراه چند فیلم‌ساز دیگر، روی صحنه رفتند و پرده‌ی سینما را پایین کشیدند تا مانع نمایش فیلم‌ها شوند. گدار در یکی از سخنرانی‌های پرشورش فریاد زد: «ما اینجا نیستیم تا فیلم‌ها را نمایش دهیم، ما اینجا هستیم تا با شما در مبارزه شرکت کنیم.» فشار این گروه باعث شد چندین کارگردان از جمله کارلوس سانورا و میلوش فورمن فیلم‌هایشان را از جشنواره خارج کنند. با بالا گرفتن اعتراض‌ها، جشنواره کن ۱۹۶۸ بدون اهدای جوایز و به صورت نیمه‌تمام تعطیل شد. این نخستین و تنها باری بود که جشنواره به این شکل لغو شد. این اتفاق نه تنها نشان داد که سینما از مسائل

اجتماعی جدا نیست، بلکه باعث شد تغییراتی جدی در ساختار جشنواره رخ دهد. سال بعد (۱۹۶۹)، بخش "دو هفته کارگردانان" به عنوان بخشی مستقل و غیررقابتی برای حمایت از فیلم‌سازان آزاد و خلاق راه‌اندازی شد؛ ایده‌ای که از فضای انقلابی ۱۹۶۸ الهام گرفته بود. چه بسا همین اتفاقات بزرگ و تفکرات صریح انقلابی بعدها باعث شده کن به بیراهه بپیافتد، اما این راهی که کن در آن افتاده بیشتر شبیه سیاه‌چاله‌ست تا بیراهه. به لحاظ حمایت سیاست‌های خارجی‌اش هم شبیه یک استندآپ کمدی شده. استندآپی که نمی‌دانم چرا بازیگرانش (کارگردانان عزیز کن‌دوست) اصرار به نمایشی از جنس متد اکتیوگش (زیستن رنج نقش) هستند، به درجه‌ای از مازوخیست رسیده‌اند که دوست دارند بروند. اصلاً آدم از کار این دوستان می‌ماند. پرنواز ایزدیار بازیگر فیلم زن و بچه، جدیدترین ساخته سعید روستایی، در مصاحبه می‌گوید: برای اینکه نقش را در بیاورد شش ماه با آقای روستایی کار کرده! مگر آقای روستایی بخاطر حضور بدون اجازه در کن و نمایش سیلی به پدر خانواده توسط دختر خانواده، به قم تبعید نشده بودند که آن‌جا به طلبه‌ها آموزش سینما بدهند؟ ایشان کی این فیلم را ساخته؟ چطور باز رفته کن؟ و باز پشت تربیون کن، مانند دانش‌آموز لوسی که معلمش را می‌بیند، شروع می‌کند به خبرچینی. که حجاب در ایران ال است و پل است و جیم پل. همان‌جا اذعان دارد که امیدوار است فیلمش را در ایران در سینما با مردمش ببیند! پس برای همین مجبور است با این محدودیت فیلم بسازد! یا یک کارگردان حبس کشیده و تحت نظر چطور می‌تواند زیرزمینی فیلم بسازد؟ در صورتی که ما الان به تکنولوژی‌ای رسیدیم که برای عابری‌بد و شل‌حجاب داخل خیابان، پیامک اخطار می‌رود. آقا یا خانم مخاطب آگاه، متوجه این تناقضات هستید؟ بهتر است بگوییم تناقضات پارادوکسیکال. تناقض اندر تناقض است که در پی هم، دومینو وار به هم می‌خورند. شاید سوال پیش بیاید، خب وقتی در ایران نمی‌شود با آزادی فیلم ساخت چه باید کرد: جواب بسیار واضح و روشن است. یا مانند بهرام بیضایی، دیگر فیلم نساز، یا مثل عباس کیارستمی، فیلمی که لازم است در آن خانم بدون حجاب باشد، ببر بیرون و در خارج از کشورت، جایی که حجاب اجباری نیست، بساز. کاری که فرهادی هم سعی در انجامش داشته.



پالپ فیکشن‌اش را از فیلم گذار کپی کرد. در آن زمان که گذار، یکی از پیشگامان موج نو فرانسه به حساب می‌آمد، سینمای تارانتینو را به «سینمای تقلیدی و تقلیدکارانه» و «غیرانقلابی» نقد کرد. او معتقد بود که فیلم‌های تارانتینو بیشتر به خشونت و شوک‌آفرینی متکی‌اند و فاقد عمق فلسفی و سیاسی هستند. گذار فیلم‌های تارانتینو را نوعی سرگرمی سطحی می‌دانست که از سینمای اصیل و هنری فاصله گرفته است. تارانتینو اما در مقابل: به گذار احترام می‌گذارد و گذار را یکی از اساتید بزرگ سینما می‌داند که روی کار خودش تأثیرگذار بوده است. با این حال، تارانتینو از این نوع نگاه گذار به سینما دفاع نمی‌کند و فیلم‌هایش را آثاری سرگرم‌کننده، با ارجاعات به تاریخ سینما و فرهنگ عامه می‌داند. او معتقد است که سینما می‌تواند هم سرگرم‌کننده باشد و هم تأثیرگذار. همین‌طور که ملاحظه می‌کنید، دعوا و حاشیه‌های گذشته‌ی جشنواره چقدر جالب بوده. مثلاً با همین بحث می‌توان گفت: سبک و فرم سینمای گذار روی سینمای تجربی، سیاسی و فلسفی تأکید دارد؛ تارانتینو بیشتر به روایت داستان جذاب، ریتم تند و ارجاعات ژانری توجه می‌کند. گذار خشونت تارانتینو را بیش از حد و بی‌هدف می‌داند، تارانتینو اما آن را ابزاری برای خلق تأثیر می‌داند. گذار سینما را ابزاری برای تغییر اجتماعی و تفکر می‌بیند، تارانتینو آن را سرگرمی خلافتان می‌بیند. این دو فیلم‌ساز هر کدام نماینده دیدگاهی متفاوت درباره سینما می‌شوند که هر دو تأثیر عمیقی بر تاریخ سینما می‌گذارند. بحث‌ها و مصاحبه‌های آنها بیشتر نشان‌دهنده تفاوت‌های سلیقه‌ای و فلسفی درباره سینماست تا خصومت شخصی اما، نتیجه به پیشرفت سینما کمک می‌کند. ولی کن امسال چه بود؟ جز یک خوشحالی آگزجری ادا اصولی آقای عینک به چشم حبس کشیده، چه داشت؟

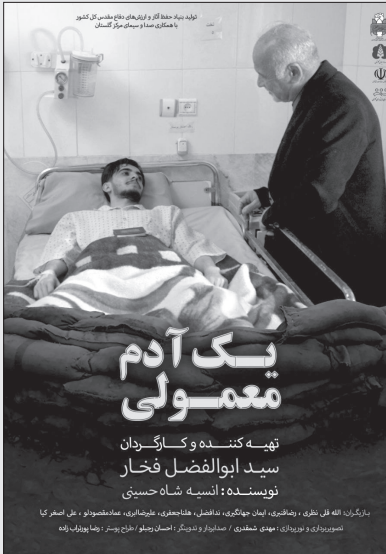
نیست، چون فیلم‌های کن لوچ قابل اتکاست، قابل ارجاع‌ست. اگرچه به اصطلاح چپ است، اما یک سینماگر چپ عالی‌ست. در کنار همچنین کارگردانی، مثلاً شوهری ایمامورا از ژاپن و بیله آوگوست از دانمارک را نیز معرفی می‌کند، کسانی که دو بار برنده جایزه شده‌اند و یکی از پرافتخارترین‌های جشنواره هستند. ولی باز برادران دارند، فیلم‌سازان بلژیکی را معرفی می‌کند و آن‌ها را سالیان سال عزیز کرده‌ی خود نگه می‌دارد و با دو نخل طلا برای **Rosetta** و **The Child** نیز از پرافتخارترین‌ها می‌شوند. ولی از طرف دیگر میثائیل هانکه، کارگردان اتریشی‌ایی که در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ موفق به کسب دو نخل طلا برای **The White Ribbon** و **Amour** می‌شود، کارگردانی‌ست جهانی، با استانداردهای درست خط شکن! اینجا یک آرتیست به تمام معنی معرفی می‌کند. و تا این اواخر که روبین اوستلوند، کارگردان سوئدی، نیز دو بار پشت سر هم بخاطر فیلم‌های مربع و مثلث برنده این جایزه شده است را هم معرفی می‌کند، سینماگری که در اجرای فرم قهار است. کن لوچ، ژان لوک گذار، فون‌تریر کارگردان‌هایی هستند که بیشترین حضور در کن را تجربه کرده‌اند. اتفاقات جالبی هم مثل برنده شدن جین کمپیون در ۱۹۹۳ با فیلم **The Piano** به عنوان اولین زن برنده نخل طلا هم داشته. بازیگران و زنان رکورددار در این جشنواره هم، ایزابل هوپر با بیشترین فیلم در بخش مسابقه، یکی از بازیگران برجسته کن به شمار می‌رود. اتفاقات جالب و آرتیستی هم در این جشنواره کم نیفتاد:

از طرفداری فون‌تریر از فاشیست هیتلری و اخراجش از جشنواره تا حمایت جواد شمقدری از این بزرگوار در کشور خودمان! یا دعوی ژان لوک گذار علیه تارانتینو. جالبه که تارانتینو معروفیت خودش را که مدیون همین جشنواره کن است، صحنه معروف رقص

نکشید. او از طریق مکاتبه و یادداشت‌هایی که از زندان بیرون می‌فرستاد، به ساخت فیلم ادامه داد. فیلم «یول» (به معنای «راه») را به همین شکل و به کمک دستیارش شریف گورن کارگردانی کرد. در سال ۱۹۸۱، گونی موفق به فرار از زندان شد. او از ترکیه مخفیانه خارج شد و خود را به فرانسه رساند. این فرار جسورانه تبدیل به یک افسانه شد، چون یک هنرمند تحت تعقیب، با عبور از مرزها، دوباره به صحنه‌ی جهانی برگشت. در سال ۱۹۸۲، فیلم «یول» در بخش مسابقه جشنواره فیلم کن نمایش داده شد. فیلم، تصویری بی‌رحم و صادقانه از جامعه ترکیه ارائه می‌داد. داوران کن چنان تحت تأثیر قرار گرفتند که به آن نخل طلای کن دادند. البته یول این جایزه را مشترک با فیلم «گمشده» (**Missing**) از کاستا گاوراس برد. ییلماز گونی با وجود زندان، سانسور، تبعید و خطر، به مبارزه‌اش از طریق سینما ادامه داد. داستان او نه‌تنها یک ماجرای سیاسی، بلکه افسانه‌ای درباره قدرت هنر در دل استبداد است. مشاهده می‌کنید؟ همه چیز واقعیت است. شبیه‌سازی موقعیت و قهرمان سازی رخ نداده، همه چیز همینقدر دراماتیک رخ داد. ییلماز گونی را می‌توان یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های یک قهرمان جشنواره‌ای قلمداد کرد. یا مثلاً آشوبی که گذار انجام داد، تصویری ماندگار از سینماگری انقلابی و متعهد بر جای گذاشت. او با این اقدام ثابت کرد که هنر باید در بزنگاه‌های تاریخی، با مردم و جنبش‌های آزادی‌خواهانه هم‌صدا شود. ولی الان چه؟ ...

به لحاظ تاریخی و آمار جشنواره، پرافتخارترین‌ها: مثلاً کن لوچ، کارگردان بریتانیایی، دو بار نخل طلا را برای فیلم‌های **The Wind That Shakes the Barley** (۲۰۰۶) و **Daniel Blake** (۲۰۱۶) دریافت کرده است. فیلم‌های او معمولاً تمرکز بر مسائل اجتماعی و طبقه کارگر دارند، اگر نتیجه عمل گذار منجر به حضور زیاد کن لوچ در کن شده، ایرادی وارد

همین‌قدر ساده و واضح. یا نساز و یا اگر می‌سازی اینقدر مظلوم‌نمایی نکن. ننه من غریبم درنیاور. از مدیران یک سیرک نمی‌شود انتظار محبت داشت. از آخر تو را به عنوان یک یک گویولی ترجم‌خواه پشت ویترنشان به نمایش درمی‌آورند. آقای به اصطلاح کارگردان دغدغه‌مند، این چهره‌ای که به خود می‌گیری برای هر کسی زشت است، فارغ از ملیت و جنسیت و مذهب و جغرافیا و هر چیز دیگری. کن در معرفی کارگردانانی چون کیارستمی، لارس فن تریه، برادران دارند، مایک لی، کورنیدا، نوری بیگلر جیلان و ... نقش مهمی داشته است. برای برخی از این کارگردانان، همین کن شد معشوقه‌ی ابدی و به آن متعهد ماندند و برخی از کن عبور کردند. از امیر پوریا نقل می‌کنم، مایک‌لی و عباس کیارستمی کارگردانانی بودند که به واسطه‌ی کن معرفی و شناخته شدند، ولی بعدها در بندش (اغوا) نماندند، از آن هم بزرگتر شدند. ولی این تعبیر بند و آزادی‌ها، نگاه سیاسی آزادیخواهانه‌ای که در سیاست کن وجود داشته، واقعاً ارزش محسوب می‌شده، به نظرم مقایسه ییلماز گونی کارگردان ترکی خیلی چیزها را در مورد این جشنواره مشخص می‌کند. یکی از دراماتیک‌ترین و الهام‌بخش‌ترین روایت‌های تاریخ سینماست. پر از سیاست، زندان، مقاومت و پیروزی. ییلماز گونی، کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس و بازیگر کُردتبار اهل ترکیه بود. او در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی به عنوان صدای طبقه کارگر، دهقانان و اقلیت‌های تحت ستم شناخته می‌شد. فیلم‌هایش انتقادی، تلخ و سیاسی بودند؛ چیزی که دولت ترکیه آن زمان تحملش را نداشت. گونی بارها به دلایل سیاسی، یا به جرم داشتن افکار مارکسیستی و نوشتن مطالب اعتراضی، دستگیر شد. اما مهم‌ترین بازداشت او در سال ۱۹۷۴ رخ داد، زمانی که به اتهام قتل یک قاضی (اتهامی که بسیاری آن را سیاسی می‌دانند)، به ۱۹ سال زندان محکوم شد. در دوران زندان، گونی باز هم از خلق هنر دست



یک آدم معمولی

تهیه‌کننده و کارگردان
سید ابوالفضل فخار
نویسنده: انسیه شاه‌حسینی

بارگردانی: اله قلی نظری، رضا قنبری، امیر کاوش، احسان هراتی، محمد بیاتی، مسعود درزی، محمد ملک هزار جریبی، مهدی صمدی، علی اصغر سیدالنگی، صفر رایجی، مهدی صفرپور، ابوالفضل اعتراف، ایمان جهانگیری، ندا فضلی، هلنا جعفری، علیرضا ابری، عماد مقصودلو بازی کرده‌اند. به این خاطر با او گفت و گویی انجام داده ایم که می‌خوانید.



باشم. و سرانجام ورود به صدا و سیما از سال ۷۹ بویژه در سال ۸۰ دوره بدو خدمت یک ساله ام در اصفهان و هم‌نشینی با مرحوم زاون قوکاسیان نویسنده و منتقد ارمنی شهر، دریچه رو به عالم فیلم سازی چه مستند و چه داستانی بر من گشوده تر شد. اساساً نگاهم به سینما با گفت و گو با آقای قوکاسیان به قبل و بعد تقسیم شد. طی سالها حضور در تلویزیون با شرایط خاصی که داشتم فارغ از سینما نبودم. برنامه «سینمای امروز» در سال ۸۱ یکی دیگر از اشتغالاتم در حوزه سینما بوده، تدریس در دانشگاه در مقاطعی، تالیف کتاب کیمیای سینما. این نویسنده و کارگردان درباره کارهای در دست اقدام می‌گوید: ملتهاست که سریال بجای پدر توسط مجید

انسیه نیشابوری، رضا قنبری، امیر کاوش، احسان هراتی، محمد بیاتی، مسعود درزی، محمد ملک هزار جریبی، مهدی صمدی، علی اصغر سیدالنگی، صفر رایجی، مهدی صفرپور، ابوالفضل اعتراف، ایمان جهانگیری، ندا فضلی، هلنا جعفری، علیرضا ابری، عماد مقصودلو بازی کرده‌اند. به این خاطر با او گفت و گویی انجام داده ایم که می‌خوانید. درباره ساخت این فیلمهای کوتاه در موضوع دفاع مقدس از این کارگردان گلستانی پرسیدیم و فخار گفت: اساساً این کارها به سفارش بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس انجام شده است و دوستانی همچون احسان رجیلو، مهدی شمقدری... و اعتراف از کارمندان بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس استان گلستان نقش بسزایی در تولید این فیلمها داشتند. و به ویژه دکتر حبیب مازندرانی. وی درباره انگیزه ساخت فیلمهای دفاع مقدس می‌گوید: به هر روی دیلن جنگ و حضور در جبهه مسوولیت و وظیفه‌ای بر شانه فرد می‌گذارد و از سوی دیگر کسی که جنگ را دیده و به زبان فیلم آشنا باشد بهتر می‌تواند آن فضا و آن حس و حال را منعکس کند. فخار درباره سابقه‌اش در ساخت‌های سینمایی می‌گوید: حضور در سینمای جوان کل کشور در سال ۷۵ بعنوان مدیر هیأت تحریر و حضور در جشنواره فیلم فجر به عنوان خبرنگار و منتقد تحصیل در دانشکده سینما تاتر تهران بستری مناسبی بود تا بتوانم از جریانات مختلف سینمایی مطلع



دفاع مقدس برای ما مسوولیت گذاشته است

محمد جواد مکتبی

سید ابوالفضل فخار چند کار کوتاه سینمایی را به تازگی کارگردانی و نویسندگی کرده است. اورکت، یک آدم معمولی و فرمانده با نویسندگی انسیه شاه‌حسینی و برگه تسویه حساب و مسافر با نویسندگی و کارگردانی سید ابوالفضل فخار به انجام رسیده است. در این کارها اله قلی نظری،

تاخت ۶۰ اسب در آغاز هفته نهم و قهرمانی کورس گنبد کاووس

و سوم شدند. در دور پنجم این مسابقات که ویژه اسب‌های بیش از سه سال نژاد تربورد هندیکاپ در دسته یک بود، ۶ راس اسب با هم به رقابت پرداختند که در پایان اسب «سامرساگ» اول شد و اسب‌های «هدوی آی تی سی» و «فوکوس لا» به ترتیب مقام دوم و سوم را کسب کردند. رقابت در دور ششم این مسابقات ویژه اسب‌های بیش از سه سال نژاد دوخون هندیکاپ در دسته یک بود که با شرکت ۶ راس اسب برگزار شد و در پایان اسب «مون راید» اول شد و اسب‌های «کلیور» و «کامرون» به ترتیب دوم و سوم شدند. همچنین در دور هفتم و پایانی روز نخست از هفته نهم و قهرمانی مسابقات اسبدوانی کورس بهار گنبدکاووس که ویژه اسب‌های بیش از چهار سال نژاد ترکمن هندیکاپ در دسته مبتدی و نبرده بود، هشت راس اسب با هم به رقابت پرداختند که در پایان اسب «آیلار داریانی» اول شد و اسب‌های «نگاه ایران هورس لند» و «شاذری» به ترتیب مقام دوم و سوم را کسب کردند. برگزار کنندگان روز نخست این هفته از مسابقات در پایان ۳۰ میلیارد و ۳۱۸ میلیون ریال جایزه نقدی به مالکان، مربیان و چابک‌سواران اسب‌های برتر اول تا ششم پرداخت کردند.



۱۱ راس اسب برگزار شد، در پایان اسب «هارت بیت آی تی سی» سریع‌تر از خط پایان گذشت و اسب‌های «ریو ماکس» و «استورم وار» به ترتیب دوم

از هفته نهم و قهرمانی مسابقات اسبدوانی کورس بهار گنبدکاووس ویژه اسب‌های بیش از سه سال نژاد تربورد هندیکاپ در دسته چهار بود و با شرکت

روز نخست از هفته نهم و قهرمانی مسابقات اسبدوانی بهار گنبدکاووس عصر روز جمعه با تاخت ۶۰ راس اسب از سه نژاد «ترکمن، دوخون و تربورد» در هفت کورس هزار و ۷۰۰ متری باحضور جمع زیادی از علاقمندان به این رشته ورزشی در مجموعه سوارکاری این شهرستان برگزار شد. به گزارش ایرنا، در دور اول این مسابقات، ۱۱ راس اسب بیش از سه سال نژاد ترکمن هندیکاپ در دسته یک باهم به رقابت پرداختند که اسب «پرنسا» زودتر از دیگر اسب‌ها از خط پایان عبور کرد و اسب‌های «باراد باغ سبز» و «کیانا کلاته» به ترتیب رتبه دوم و سوم را کسب کردند. رقابت در دور دوم ویژه اسب‌های بیش از سه سال نژاد دوخون هندیکاپ در دسته ۶ بود که با شرکت ۱۰ راس اسب برگزار شد و در پایان اسب «دیزنی لند» اول شد و اسب‌های «تاوارو» و «جانا تان» به ترتیب دوم و سوم شدند. در دور سوم که ویژه اسب‌های بیش از سه سال نژاد دوخون هندیکاپ در دسته چهار بود، هشت راس اسب با هم به رقابت پرداختند که اسب «ماکان لاو» با پیشی گرفتن از دیگر رقبای اول شد و اسب‌های «تپ بابا» و «بابا صفا» به ترتیب مقام دوم و سوم را کسب کردند. رقابت در دور چهارم روز نخست

دعوت به همکاری

مرکز توانبخشی روزانه جسمی حرکتی ناجی گران نیازمند
کارشناس ارشد فیزیوتراپی و کارشناس ارشد کار درمانی جهت
مسئول فنی می‌باشد.

ساعت کاری: شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸ الی ۱۳:۳۰

پنج شنبه ها ۸ الی ۱۲

در صورت تمایل با این شماره تماس بگیرید:

۰۹۱۱۹۲۵۳۰۲۳

بخش محکوم به قصاص در شهرستان ترکمن

رئیس کل دادگستری گلستان گفت: گذشت اولیای دم در شهرستان ترکمن، یک محکوم به قصاص را در چند قدمی اجرای حکم به زندگی دوباره بازگرداند. به گزارش روابط عمومی، حیدر آسیابی اظهار کرد: ۲ سال پیش در بندر ترکمن شوخی لفظی دو دوست که به فحاشی کشید، نتیجه تلخی رقم زد که در نتیجه

آن برادر یکی از این دو نفر که برای ختم مشکل بین آنها ورود کرده بود، بر اثر ضربه چاقو به قتل رسید. وی افزود: پرونده تشکیل و پس از رسیدگی و به درخواست اولیای دم حکم قصاص صادر شد. آسیابی ادامه داد: پس از طی تشریفات قانونی و تعیین نوبت اجرای حکم، تلاش گروه‌های سازشی در شورای حل اختلاف شهرستان آغاز شد. رئیس کل دادگستری گلستان گفت: پس از بارها نشست و پیگیری در نهایت با پادرمیانی رئیس دادگستری و دادستان شهرستان ترکمن، اولیای دم، از حق شرعی و قانونی خود گذشتند و از اجرای قصاص منصرف شدند. وی خاطرنشان کرد: این سومین محکوم به قصاص است که از ابتدای سال با گذشت اولیای دم و پادرمیانی تیم‌های سازشی در شورای حل اختلاف و ستاد صبر استان، بخشیده می‌شود. سال گذشته ۲۲ محکوم به قصاص در گلستان با گذشت اولیای دم بخشیده شدند.

چرا به زندگی دیگران سرک می کشیم؟

سوال می پرسد هیچ ارتباط نزدیکی با شما ندارد، مانند یک همکار، فامیل دور یا همسایه، صادقاً پیشنهاد می کند که نیازی به پاسخگویی نیست مگر اینکه سوالات تکرار شوند. در این مواقع، می توان با استفاده از یک تکنیک به نام «پیام مخفی» به فرد منتقل کرد که دیگر تمایلی به ادامه بحث در این زمینه نداریم: «اگر فردی بارها و بارها این سوالات را تکرار کند، می توانیم به آرامی و با احترام بگوییم که راستش من برای این موضوع یک برنامه دارم که بعداً در موردش صحبت می کنیم. این جمله به نوعی به فرد پیام می دهد که دیگر از شما سوال نپرسد.» او تأکید می کند: این تکنیک به فرد می فهماند که ما پاسخ های خاصی به این سوالات داریم و نمی خواهیم بیشتر وارد این موضوع شویم. این یک پیام غیرمستقیم است که دیگر جای نگرانی برای فرد وجود ندارد و از او می خواهیم دیگر سوالات اینچنینی نپرسد. او می گوید: در مجموع، در پاسخ به سوالات شخصی باید در نظر گرفت که ارتباط ما با فرد سوال کننده چیست. اگر فرد نزدیک به ما باشد، پاسخ دادن و رفع نگرانی او ضروری است. اما اگر فردی کم ارتباط باشد، سکوت یا استفاده از پیام مخفی بهترین راهکار است. به این ترتیب، می توان از فشار و استرس ناشی از سوالات شخصی اجتناب کرد. صادقاً درباره شیوه های روان شناختی و ارتباطی موثر برای جلوگیری از ناراحتی طرف مقابل نکاتی را بیان می کند. او در ابتدا به اهمیت تعویق در پاسخ دادن نیز اشاره می کند و می گوید: بهترینترفند برای جلوگیری از ناراحت شدن طرف مقابل، تعویق پاسخ است. وقتی ما پاسخ را به تعویق می اندازیم، به این معنی است که در آن لحظه یا موضوع را تغییر می دهیم یا موقعیت را ترک می کنیم. این روش نه تنها به ما این امکان را می دهد که در زمان مناسب پاسخ دهیم، بلکه طرف مقابل را هم متوجه می کند که سوالاتش ممکن است نامناسب باشد. صادقاً راه حل دیگری پیشنهاد می دهد: در مواقعی که سوال تکرار می شود باید در خلوت و با صداقت بیشتری صحبت کنیم. می توانیم بگوییم: چون دوست دارم و نمی خواهم ناراحتی پیش بیاید، این را می گویم. حقیقت این است که من در زندگی شخصی کسی کنجکاوی نمی کنم و اگر کسی از زندگی شخصی من سوالی بپرسد، ممکن است ناراحت بشوم. او توضیح می دهد که این نوع بیان به طرف مقابل کمک می کند تا درک کند که سوالات شخصی ممکن است برای شما ناخوشایند باشند، بدون اینکه فضای گفت و گو مسموم شود.



به هیچ وجه از روی آگاهی نیستند، دیگر احساس ناراحتی یا فشار از این قبیل سوالات نخواهیم داشت. وقتی بدانیم که این سوالات از ذهن های بیکار نشأت می گیرند، دیگر هیچ گونه استرسی بابت آن ها نخواهیم داشت.

واکنش به سوالات شخصی: سکوت یا پاسخگویی؟

در مواجهه با سوالات شخصی، واکنش هر فرد می تواند بسته به نوع ارتباط و شرایط مختلف متفاوت باشد. آیا باید به این سوالات پاسخ داد یا بهتر است در چنین مواقعی سکوت کرد؟ این سوالی است که بسیاری از افراد در موقعیت های مختلف با آن روبرو می شوند. صادقاً در این باره توضیح می دهد: اگر فردی که این سوالات را می پرسد از نزدیکان ما باشد، مثل پدر یا مادر، پاسخ دادن به این سوالات اهمیت بیشتری پیدا می کند. این افراد معمولاً از روی نگرانی یا علاقه به شما این سوالات را می پرسند. او ادامه می دهد که در چنین مواردی، باید به نگرانی آن ها پاسخ داد و در صورتی که موقعیت مناسب نیست، این توضیحات را در زمان دیگری ارائه داد؛ مثلاً ممکن است در آن لحظه نتوانیم به خوبی پاسخ دهیم، اما می توانیم بعداً در یک موقعیت آرام تر به آن ها توضیح دهیم و داستان خود را بازگو کنیم. اما در مواقعی که فردی که

سوالات بی مورد منجر شود. در حقیقت، مغز انسان در تلاش است تا خودش را با دیگران تطبیق دهد. اگر فردی متفاوت عمل کند، ذهن اطرافیان ممکن است دچار اضطراب شود و به همین دلیل شروع به پرسیدن سوالاتی می کنند که به نوعی او را به «هم گفتو» خود تبدیل کنند. او در ادامه به یک نمونه شخصی اشاره می کند: من یک بار با دوستی صحبت می کردم که به من گفت چرا اخبار را نمی بینم. او معتقد بود که اگر اخبار را دنبال نکنم، چیزی را از دست می دهم. این رفتار از سوی او ناشی از این بود که او فکر می کرد من از دسته ای که خودش به آن تعلق دارد خارج شدم و می خواست با نصیحت کردن من را به سمت رفتارهای خود سوق دهد.

چگونه از فشار این پرسش ها رهایی یابیم؟

صادقاً برای مقابله با این وضعیت توصیه هایی دارد: «اولین قدم این است که باید بپذیریم افرادی که این سوالات را می پرسند، ذهن های بیکار دارند. وقتی متوجه شویم که سوالات آن ها از روی بیکاری و کنجکاوی بی اساس است، دیگر تحت تأثیر قرار نمی گیریم.» او تأکید می کند که این نوع سوالات اساساً هیچ ارزشی ندارند و بیشتر ناشی از عدم درک عمیق و رشد فردی هستند. او ادامه می دهد: اگر ما این باور را داشته باشیم که سوالات کنجکاوانه و بی اساس

کنجکاوی یا قضاوت؟ سوالاتی مثل «چرا ازدواج نکردی؟»، «بچه دار نمی شی؟» یا «حقوقت چقدره؟» کنجکاوی هایی با رنگ قضاوت هستند که آزاددهنده اند. ریشه این پرسش ها چیست؟ چرا برخی در زندگی خصوصی دیگران سرک می کشند؟ مهدی صادقاً، استاد ارتباطات، راهکارهای مواجهه هوشمندانه با این پرسش ها را ارائه می دهد. به گزارش ایرنا زندگی - مرز باریکی هست بین گفت و گو و کنجکاوی؛ آن جا که با پرسیدن برخی سوالات از سوی دیگران لبخندت یخ می زند و نمی دانی با آن سوال بی جا چه باید بکنی. اما وقتی کسی بی مقدمه سرک می کشد در خصوصی ترین لایه های زندگی ات، چه باید کرد؟ ریشه این پرسش ها کجاست؟ چرا بعضی آدم ها این قدر مشتاق اند در خصوصی ترین حوزه های زندگی دیگران سرک بکشند؟ و از همه مهم تر، در مواجهه با این پرسش ها چه پاسخی باید داد؟ برای پاسخ به این سوال ها به سراغ مهدی صادقاً، استاد ارتباطات و فن بیان رفتیم. او با زبانی صریح و تحلیلی روان، پرده از سازوکارهای ذهنی و اجتماعی این نوع از پرسش ها برداشت.

چرا به زندگی دیگران کنجکاوی می کنیم؟

عامل اصلی: بیکاری ذهن

دکتر مهدی صادقاً، استاد ارتباطات و فن بیان، مهم ترین عامل این نوع کنجکاوی ها را بیکاری ذهن می داند و می گوید: زمانی که ذهن ما بیکار می ماند و به دنبال یادگیری و رشد نیست، غریزه انسانی به طور ناخودآگاه شروع به چک کردن وضعیت اطرافیان می کند تا ببیند آیا شبیه دیگران است یا خیر. او توضیح می دهد: این نوع کنجکاوی ها به دلیل اضطراب ناشی از تفاوت با دیگران شکل می گیرد. افراد معمولاً نگران این هستند که مبادا از دسته اجتماعی خود خارج شوند و به همین دلیل شروع به پرسیدن سوالاتی می کنند که در ظاهر برایشان جذاب به نظر می آید. او ادامه می دهد: اگر ذهن انسان مشغول مطالعه و یادگیری باشد، دیگر این نوع سوالات برای او جذابیتی نخواهند داشت. فردی که به رشد و توسعه ذهنی خود اهمیت می دهد، هرگز با چنین کنجکاوی هایی مواجه نخواهد شد. ذهنی که درگیر اطلاعات جدید است، به جای توجه به زندگی دیگران، به مسائل پیچیده تر و به روزتری مشغول است. صادقاً اشاره می کند که ذهن انسان ها تمایل دارد خود را با دیگران مقایسه کند. این مقایسه ها می تواند به رفتارهای کنجکاوانه مانند پرسیدن



معنوی، به دلیل گورستان تاریخی و معماری منحصر به فردش، یکی از آثار شاخص فرهنگی و گردشگری استان گلستان به شمار می رود.

دادستان کلانه، از آغاز هماهنگی ها برای تعریض جاده، رفع نواقص ایمنی و توسعه پارکینگ در مسیر پرتود زيارتگاه خالد نبی خبر داد. به گزارش روابط عمومی، سید جواد میردوستی در جریان بازدید میدانی از جاده منتهی به خالد نبی، اظهار کرد: برای تعریض مسیر، رفع نقاط حادثه خیز، نصب حفاظ ایمنی و توسعه فضای پارکینگ در اطراف زیارتگاه، دستورات لازم به اداره راهداری داده شده است. وی با بیان اینکه مسیر دسترسی به خالد نبی یکی از پرتودترین محورهای گردشگری استان گلستان است، افزود: نبود گاردریل، عرض کم جاده، کمبود فضای پارک و افزایش تردد خودروها، ایمنی این مسیر را به یکی از اصلی ترین مطالبات عمومی منطقه تبدیل کرده است. میردوستی همچنین از برگزاری جلسه ای مشترک با حضور مدیران راهداری، منابع طبیعی، اوقاف، اداره میراث فرهنگی و اعضای هیأت امنای زیارتگاه خبر داد و گفت: در این نشست، هماهنگی های لازم برای آغاز عملیات عمرانی انجام شد تا ارتقای ایمنی این محور هرچه سریع تر در دستور کار قرار گیرد. زیارتگاه خالد نبی که در ارتفاعات شهرستان کلانه واقع شده، علاوه بر جایگاه

ورود دادستانی کلانه برای

ایمن سازی مسیر زیارتگاه خالد نبی